Quarterly Journal of Tourism Research

ISSN: 2538-628X Volume 1 | Issue 4 | Winter 2020

Original Article

A Comparative Evaluation of Iran`s Tourism Economic Impacts, Based on Multi-Criteria Decision Making Model, Case Study: Northwestern and Central Selected Provinces; A Aproach

Ali Asghar Moonesan[1], Fatemeh Fekri[2], Rahim Heydari Chianeh[3*]

1. Member of the Faculty, Faculty of Engineering, Department of Civil Engineering, North Branch of Tehran, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. PhD Student, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Planning and Environmental Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

3. Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Planning and Environmental Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Received: 2019/08/12 | Accepted: 2019/11/20 | Published: 2019/12/1

Abstract

The rapid increase in tourism demand since the 1960s has led many entrepreneurs and governments in different countries to invest in this industry without a detailed analysis of its costs and benefits. This trend was followed by and regional inequalities as well as economic, environmental and social problems. Therefore, the present study aims to measure the inequality of tourism infrastructure development in the central and related provinces (including the provinces of East and West Azerbaijan, Ardabil, Isfahan, Kerman and Yazd provinces) and examines the role of tourism development in reducing regional inequalities. In this study, the statistical population and sample were selected using cluster random sampling including 384 people via documentary and library studies as well as field observations and questionnaire. Data were analyzed by statistical tests in SPSS-v25 software and in order to prioritize and evaluate the criteria and layers of information in relation to their weight, multi-criteria decision analysis methods based on TOPSIS method were used. Based on the results, Isfahan province with a coefficient of (0.829) is first, East Azerbaijan with a coefficient of (0.784) is second, Yazd is third with a coefficient of (0.779) and Ardabil province is sixth with a coefficient (0.749). As a result, the most economic effects of tourism on the regional development are seen in Isfahan province and the least in Ardabil province. Considering the final results of the model, it can be said that the central regions have more economic and tourism functions than the northwestern regions of Iran.

Keywords: Price, Tourism impacts, Regional inequality, Multi-criteria decision making (MCMD) & TOPSIS Models

Moonesan A, Fekri F, Heydari Chianeh R. A. (2020). Comparative Evaluation of Iran`s Tourism Economic Impacts, Based on Multi-Criteria Decision Making Model, Case Study: Northwestern and Central Selected Provinces; A Approach. *Tourism Research*, *1*(4): 1-27

Corresponding Author: Rahim Heydari Chianeh, Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Planning and Environmental Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran **Email:** rheydari@tabrizu.ac.ir

فصلنامه علمی پژوهش گردشگری
شاپا: ۶۲۸X-۲۵۳۸ سال اول | شماره چهار | زمستان ۱۳۹۸

مقاله پژوهشی

ارزیابی و بررسی تطبیقی اثرات اقتصادی صنعت گردشگری در استان‌های منتخب شمال غرب و مرکزی ایران، مبتنی بر روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره

علی اصغر مونسان[1]، فاطمه فکری[2]، رحیم حیدری چیانه[3]*

۱- عضو هیئت‌علمی،گروه مهندسی عمران، دانشکدهٔ فنی- مهندسی، واحد شمال تهران دانشگاه آزاد اسلامی، ، ایران
۲- دانشجوی دکتری، گروه برنامه‌ریزی شهری، دانشکدهٔ برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
۳- دانشیار، گروه برنامه ریزی شهری، دانشکدهٔ برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۱ | پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۹ | انتشار: ۱۳۹۸/۰۹/۱۰

چکیده

افزایش سریع تقاضای گردشگری از دههٔ ۱۹۶۰، موجب شد تا بسیاری از کشورها وارد بازارهای جهانی آن شوند؛ بی‌آنکه تبعات منفی و هزینه‌های آن را بررسی کرده باشند. اتکای بیش‌ازحد به درآمدهای گردشگری و کم‌رنگ‌شدن سایر فعالیت‌های اقتصادی و افزایش نابرابری‌های اقتصادی نواحی درون کشوری از مهم‌ترین تبعات منفی گردشگری محسوب می‌شود. بنابراین، پژوهش حاضر، سنجش میزان نابرابری توسعهٔ زیرساخت‌های گردشگری در استان‌های منتخب مرکزی و شمال غرب (شامل استان‌های آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل و استان‌های اصفهان، کرمان و یزد) را هدف قرار داده و نقش گردشگری در این نابرابری‌ها را در قالب استانی بررسی کرده است. در این تحقیق، جامعه و نمونهٔ آماری تحقیق به‌صورت نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای به تعداد ۳۸۴ نفر به همراه مطالعات اسنادی و نیز مشاهدات میدانی و پرسشنامه بوده است. تحلیل داده‌ها از طریق آزمون‌های آماری در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ بوده و به‌منظور اولویت‌بندی و ارزیابی معیارها و لایه‌های اطلاعاتی از روش‌های تحلیل تصمیم‌گیری چندمعیاره (MCDM) مبتنی بر روش تاپسیس (TOPSIS) استفاده شد. براساس نتایج بدست آمده، استان اصفهان با ضریب ۰/۸۲۹ در رتبهٔ ۱، آذربایجان شرقی با مقدار ۰/۷۸۴ در رتبهٔ ۲، یزد با ضریب ۰/۷۷۹ در رتبهٔ ۳ و استان اردبیل با ضریب ۰/۷۴۹ در رتبهٔ ۶ قرار گرفته‌اند؛ درنتیجه بیشترین تأثیرات اقتصادی گردشگری بر توسعهٔ ناحیه‌ای متوجه استان اصفهان و کمترین میزان آن متوجه استان اردبیل بوده است. با در نظر گرفتن نتایج نهایی مدل می‌توان گفت بهره‌مندی استان‌های نواحی مرکزی از کارکرد و اثرات اقتصادی گردشگری نسبت به نواحی شمال غرب ایران بیشتر و مؤثرتر بوده است.

واژه‌های کلیدی: گردشگری، نابرابری منطقه‌ای، تصمیم‌گیری چندمعیاره، TOPSIS

مونسان علی اصغر ، فکری فاطمه. حیدری چیانه رحیم (۱۳۹۹). ارزیابی و بررسی تطبیقی اثرات اقتصادی صنعت گردشگری در استان‌های منتخب شمال غرب و مرکزی ایران، مبتنی بر روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره. *پژوهش گردشگری*، ۱ (۴)، ۱-۲۷

* **نویسندهٔ مسئول: رحیم حیدری چیانه ، دانشیار،گروه برنامه ریزی شهری، دانشکدهٔ برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. پست الکترونیک:** rheydari@tabrizu.ac.ir

۱. مقدمه

صنعت گردشگری با مکانیسم خاص و پیچیده‌اش می‌تواند اقتصاد را در سطوح بین‌المللی، ملی، ناحیه‌ای و محلی تحت تأثیر خود قرار دهد و آن را متحول کند. در حال حاضر، این صنعت به‌عنوان بخش مستقل و جداگانه در جدول‌های اقتصاد ملی فهرست نشده و در بخش خدمات گنجانده شده است؛ بنابراین اندازه‌گیری اثربخشی اقتصادی گردشگری تا حدودی دشوارتر از سایر بخش‌های اقتصادی است. برنامه‌ریزی شرط لازم برای رسیدن به اهداف مطلوب هر جامعه است. سرعت‌بخشی به رشد و توسعهٔ اقتصادی هر کشور نیازمند از بین بردن مسائل و مشکلاتی است که باعث عدم توسعه نواحی می‌شوند. (Fekri, 2018, P. 38). اثرات مثبت اقتصادی و گردش مالی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی در تعیین کمیت عملکرد اقتصادی بنگاه‌های اقتصادی‌اند. همین وضعیت درمورد فعالیت‌های گردشگری و شاخص‌های مربوط به کارایی اقتصادی گردشگری نیز صادق است. امروزه، گردشگری فعالیتی اقتصادی تلقی می‌شود که می‌تواند با توسعهٔ اقتصادهای محلی، راهی برای افزایش رقابت‌پذیری آنها در سطح محلی، منطقه‌ای یا ملی باشد (Strat, et al., 2016, P. 103). در سطح جهانی، در چند دههٔ گذشته گردشگری با نرخ رشد بیش از ۵ درصدی همواره از نرخ رشد اقتصاد جهانی جلوتر بوده و نیز کل سهم گردشگری در تولید ناخالص داخلی بیش از ۱۰ درصد بوده است و پیش‌بینی می‌شود این نرخ رشد تا یک دهه بعد نیز ادامه داشته باشد. (Jioță, et al., 2019, P. 425). براساس داده‌ها و آمارهای سازمان جهانی گردشگری ملل متحد، در سال ۲۰۱۹ گذرنامهٔ بیش از ۱/۴ میلیارد نفر ممهور به مهر مسافرت شده و آنها وارد کشور دیگری شده‌اند و در همین سال دریافت‌های حاصل از این مسافرت‌ها به عدد ۱۷۰۰ میلیارد دلار رسیده است (UNWTO, 2019)

با در نظر گرفتن موارد مذکور، مشخص می‌شود، راهبرد مؤثر برای رشد اقتصادی باید شامل اقدامی به‌منظور افزایش توسعهٔ متوازن و متعادل این بخش اقتصادی در سراسر کشور باشد؛ به‌طوری‌که به کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای منجر شود (Li, et al., 2016, P. 83). به لحاظ توسعهٔ ناحیه‌ای در ایران کارکردهای صنعت گردشگری در ابعاد اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی با فراز و نشیب و چالش‌های فراوانی مواجه است؛ به‌طوری‌که Amirahmadi معتقد است، نابرابری ناحیه‌ای برای ایران یک مشخصه محسوب می‌شود و از نظر شاخص‌های نابرابری‌های ناحیه‌ای، بعد از برزیل رتبهٔ دوم دنیا را دارد (Amirahmadi, 1986).

اثرات این نابرابری را در حوزهٔ گردشگری نیز می‌توان یافت؛ چنانچه استان تهران به‌تنهایی بیش از ۲۵/۱ درصد دریافت‌های حاصل از مسافرت‌های داخلی و خارجی را می‌بلعد. استان‌های خراسان رضوی، مازندران، گیلان، اصفهان، کرمان، یزد و فارس در رده‌های بعدی، مهم‌ترین مقاصد گردشگری ایران هستند و سهم بقیهٔ استان‌های ایران کمتر از ده درصد است (Heydari Chianeh, Rezatab Azgoomi & Kian, 2019) تسلط الگوی توسعهٔ تمرکزگرایانه از بالا به پایین، روحیهٔ ملل (ترجیح جاذبه‌های مذهبی و اکوتوریسم برای مسافرت) و نیز تمرکز جاذبه‌های سه‌گانه (انسان‌ساخت، تاریخی- فرهنگی و طبیعی) در این استان‌ها، به معنای آن است که این صنعت، نه‌تنها برخلاف رسالت اقتصادی‌اش که کاهش نابرابری‌ها با کمترین هزینه‌هاست کار می‌کند، بلکه عملاً به افزایش آن نیز کمک می‌کند (Heydari Chianeh, Rezatab Azgoomi & Kian, 2019). این مقوله، مشخصهٔ منحصربه‌فرد گردشگری ایران و خود معلول دلایلی است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

الف) انطباق قطب‌های تاریخی- فرهنگی و اکوتوریسم ایران با استان‌هایی که شرایط اقتصادی نسبتاً بهتری از سایر استان‌ها دارند که شامل استان‌های خراسان رضوی، اصفهان، کرمان، فارس و یزد می‌شود.

ب) تمرکز جاذبه‌های انسان‌ساخت و نیز تسهیلات و زیرساخت‌های گردشگری و شبکه‌های حمل‌ونقل جاده‌ای، ریلی و هوایی در پایتخت و چند کلان‌شهر معدود.

ج) الگوهای مسافرت و گردشگری که محصول مقولهٔ روحیهٔ ملل هستند که به‌شکلی مشخص دربارهٔ ایران به معنای ترجیح سفرهای مذهبی و اکوتوریسم بر سایر گونه‌های گردشگری است. شاید بتوان مورد الف را به‌مثابهٔ محصول جبر تاریخی و طبیعی نامید و نتوان کار چندانی کرد، اما در دو مورد اخیر، می‌توان با برنامه‌ریزی‌های منطقی و سازگار، تغییراتی را حاصل کرد و از صنعت گردشگری به‌مثابه ابزاری توانمند برای کاهش نابرابری‌های اقتصادی بهره برد. ترغیب و تشویق مسافران و گردشگران داخلی و خارجی برای سفر به مناطق و مقاصد جدید و بکر از راه‌های زیر صورت می‌گیرد: ارائهٔ انواع مشوق‌های اقتصادی دولتی، تغییر ذائقه و سلایق مسافرتی در انتخاب مقاصد جدید در استان‌های کمتر توسعه یافتهٔ مناطق شرقی، جنوبی، غرب و شمال غرب ایران از طریق برنامه‌های بلندمدت فرهنگی و اتخاذ رویکرد فدرالیسم در مقولهٔ گردشگری، مانند اجرای تعطیلات فصلی (زمستانی، تابستانی و منطبق با شرایط اقلیمی هر ناحیه) جهت کاهش اثرات منفی فصلی‌بودن مقاصد و کاهش فشارهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی ناشی از تمرکز تعطیلات یکسان.

امروزه صنعت گردشگری ضمن گسترش‌یافتن در زمینه‌های گوناگون با افزایش مقصدهای تازه و روبه‌رشد مواجه بوده است. این‌گونه پویایی، گردشگری را به عاملی کلیدی برای پیشرفت اجتماعی-اقتصادی تبدیل کرده است (Harms, 2010, P. 111). در جهان امروز، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی به‌عنوان پدیده‌ای فراگیر و روبه‌گسترش قابل مشاهده است (lees, 2010, P. 1). مطالعاتی که در رابطه با صنعت گردشگری و توزیع درآمد صورت گرفته، نشان می‌دهد گردشگری از دو طریق غیرمستقیم با تأثیر بر رشد اقتصادی و به‌صورت مستقیم بر نابرابری درآمد تأثیر می‌گذارد (Gholizadeh, 2016, P. 125)؛ برای مثال، استان‌های سیستان و بلوچستان، زنجان و کردستان، با وجود پتانسیل‌های زیاد گردشگری به‌دلیل عدم توزیع عادلانهٔ ثروت و مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح، جزء استان‌های محروم است و گردشگری در این مناطق نتوانسته به کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای در این استان‌ها منجر شود.

به هم خوردن تعادل درون و برون منطقه‌ای از موانع اصلی توسعهٔ ملی به شمار می‌رود و الگوی حاکم بر نابرابری‌های منطقه‌ای در سطح ملی، در سطح مناطق و استان‌ها نیز وجود دارد. لازمهٔ برنامه‌ریزی منطقه‌ای و کاهش نابرابری‌ها، شناسایی جایگاه مناطق از لحاظ توسعه است (Shali, Razavian & Taghi, 2010, P. 25). یکی از مشکلات اصلی در کشورهای درحال‌توسعه، تمرکز فعالیت‌ها در چند نقطه خاص کشور و توزیع ناموزان آنها در پهنهٔ سرزمین است (Khatai, Razavi & Jamali, 2000, P. 4; Dadashpour & Fatah, 2013, P. 4). توزیع ناموزان منابع و فعالیت‌ها از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در کشورهای درحال‌توسعه است (Poorasghar, 2008: 4; Dadashpour & Fatah, 2013, P. 2)؛ بنابراین توزیع متعادل امکانات و خدمات، گامی در جهت از بین بردن عدم تعادل‌های منطقه‌ای است؛ زیرا هرچه تفاوت‌های منطقه‌ای از ابعاد مختلف بیشتر باشد، به حرکت جمعیت و سرمایه به سمت قطب‌های پرجاذبه منجر می‌شود. نبود توازن در جریان توسعه میان نواحی گوناگون، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری می‌شود و مانعی در برابر توسعهٔ ملی به شمار می‌رود (Hajipour & Zabardast, 2005, P. 6; Ahmadipour et al., 2007, P. 22). نابرابری‌های ناحیه‌ای در تمام شکل‌ها و سطوح آن می‌تواند پیامدهای ناگواری را به همراه داشته باشد (Pacione, 2005, P. 291). تجلی‌های نابرابری را می‌توان در اشکال مختلف، از جمله نابرابری اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نژادی، قومی، مذهبی، جنسیتی و نیز اشکال مشخص‌تر درآمدی، تغذیه‌ای، آموزشی و بهداشتی بررسی کرد (Raghfar, Khoshdast, & Yazdanpanah, 2012, P. 242). در حالت کلی

ارزیابی شاخص‌های مختلف توسعه نشان می‌دهد، شکاف و نابرابری بین مناطق و استان‌های مختلف کشور زیاد است و بیشترین نابرابری و شکاف از نظر شاخص‌های توسعه بین استان‌های حاشیه‌ای و مرکزی وجود دارد (Rasti & Rahimi, 2008, P. 152). برای رفع این تفاوت‌های ناعادلانهٔ مکانی شیوه‌های مختلفی وجود دارد که می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین راهکارهای کاهش و تعدیل نابرابری‌های ناحیه‌ای در کشورهای جهان سوم، به‌کارگیری توانمندی‌های صنعت گردشگری در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های توسعه‌ای است (Ebrahimi Meinag & Irvani, 2005, P. 108). با توجه به اهمیت موضوع نابرابری ناحیه‌ای و گردشگری و با در نظر گرفتن اینکه تاکنون تحقیقات بسیار محدودی در ایران به بررسی نابرابری ناحیه‌ای گردشگری پرداخته و عمدتاً نابرابری داخل استانی و بین استانی و بدون در نظر گرفتن صنعت گردشگری بوده، تحقیق حاضر به بررسی نابرابری ناحیه‌ای و صنعت گردشگری در استان‌های ناحیه مرکزی و شمال غرب پرداخته است.

۱-۱. مبانی نظری

۱-۱-۱. نابرابری‌های ناحیه‌ای

تمرکز نامعقول و نامتناسب در عرصه‌های زیستی، توسعهٔ اقتصادی-اجتماعی نابرابر نواحی جغرافیایی را در پی خواهد داشت؛ موضوعی که بازتاب آن را می‌توان در چشم‌انداز جغرافیایی شهرها و رشد ناهمگون آنها یافت (Farid,1996, P. 433). وابستگی به اقتصاد جهانی و صادرات نفت و توجه به پایتخت‌ها و کلان‌شهرها، مهم‌ترین عوامل گسترش نابرابری‌هاست که نتیجهٔ آن مهاجرت‌های گستردهٔ جمعیتی است. برای دستیابی به توسعهٔ پایدار به حداقل رساندن نابرابری‌های ناحیه‌ای از ضروریات است. حکومت‌ها و سازمان‌های سیاسی امروزه بیشتر بر رشد اقتصادی متمرکز شده‌اند که پیامد آن، توزیع‌نشدن یکسان درآمدها و نابرابری‌های ناحیه‌ای است (Zhuang, 2011, P. 281) که این عامل نمود بارزی از توسعه‌نیافتگی و تهدیدی جدی برای کشورهاست؛ زیرا زمینه‌های دستیابی به وحدت و یکپارچگی ملی را دشوار می‌کند (Ziyari, Amanpour & Amiri Fahliani, 2013, P. 18) و امکان بروز فقر، بیکاری، حاشیه‌نشینی، مهاجرت و بی‌عدالتی را افزایش می‌دهد (Yasuri, 2009, P. 203)؛ بنابراین با بهره‌گیری از شاخص‌ها می‌توان وضعیت محدوده‌های مختلف جغرافیایی را به‌صورت تطبیقی نشان داد و تصویری از میزان بهره‌مندی نواحی را ارزیابی کرد (Bahrami & Attar, 2011, P. 2).

۲. رشد گردشگری و نابرابری‌های ناحیه‌ای

گردشگری با تعدادی از بخش‌های اقتصادی دیگر مانند کشاورزی، ساخت‌وساز و صنایع مرتبط با آن ارتباط نزدیکی دارد و بنابراین توسعهٔ آن، پتانسیل ایجاد اثرات جانبی مثبت در سایر بخش‌های اقتصاد را دارد. همچنین توسعهٔ گردشگری می‌تواند از طریق جایگزینی و ادغام صنایع، بهره‌وری سایر صنایع را ارتقا بخشد و به تغییر ساختاری منجر شود (Kadiyali & Kosová, 2013, P. 275). مطالعات مختلف (برای مثال: Peneder, 2003; Nelson & Pack, 1999) نشان می‌دهد، تغییر منابع یا تغییر ساختاری از بخش‌های سنتی به بخش‌های خاص پویا با رشد سریع‌تر بهره‌وری و فناوری‌های تولیدی بیشتر علاوه‌بر هریک منبع اضافی برای رشد بهره‌وری کل است. تغییر ساختاری ناشی از توسعهٔ گردشگری و تأثیر آن بر بهره‌وری و رشد اقتصادی ممکن است نابرابری‌های منطقه‌ای را به‌دلیل متفاوت‌بودن سطح توسعهٔ اقتصادی و هزینه‌های بخش صنایع نشان دهد. Chenery و همکاران (۱۹۸۶) پیشنهاد می‌کنند که تغییر ساختاری اقتصادی بر اقتصاد و رشد اقتصادی در اقتصادهای کمتر توسعه یافته تأثیر بیشتری می‌گذارد؛ زیرا این اقتصادها با نابرابری‌های گسترده‌تری بین صنایع همراه هستند (McMillan & Rodrik, 2011, P. 24). بر این اساس، جهانگردی به نوان صنعت پیشرو به امید کاهش نابرابری اقتصادی منطقه‌ای، در بسیاری از مناطق مورد هدف توسعه قرار گرفته است. درمورد تأثیر گردشگری بر نابرابری منطقه‌ای، دو دیدگاه متضاد وجود دارد: گروهی از محققان معتقدند گردشگری نابرابری منطقه‌ای را کاهش می‌دهد. مناطق ضعیف حاشیه‌ای معمولاً دارای مازاد جاذبه‌های

گردشگری هستند که تمایل دارد توسعه را به دور از مراکز صنعت به سمت مناطق توسعه‌نیافتۀ یک کشور توزیع کند. در مقابل گروه دوم معتقدند، گردشگری نابرابری منطقه‌ای را افزایش می‌دهد. توزیع یکنواخت گردشگری شامل یک یا چند منطقۀ اصلی و دارای سرمایۀ گردشگری و چندین منطقۀ گردشگری کمتر توسعه یافته است. کراکوور (۲۰۰۴) استدلال می‌کند، رابطۀ بین گردشگری و نابرابری منطقه‌ای خاص کشور و وابسته به بسیاری از عوامل دیگر است. Proença و Soukiazis (۲۰۰۸) معتقدند، گردشگری بین‌المللی تأثیر برجسته‌ای در کاهش شکاف‌های منطقه‌ای در بین مناطق مختلف اسپانیا، ایتالیا، یونان و پرتغال داشته است. با این حال در بسیاری از کشورها، این باور رایج است که گردشگری داخلی از نظر اندازه و همچنین سهم اقتصادی بر جریان‌های بین‌المللی حاکم است؛ بنابراین گردشگری داخلی از پتانسیل بیشتری برای کاهش نابرابری در اقتصادهای کمتر توسعه یافته برخوردار است (Massidda & Etzo, 2012, P. 604).

۳. جایگاه صنعت گردشگری در توسعه با تأکید بر توسعۀ ناحیه‌ای

بدون تردید همۀ کشورهای جهان در رقابتی تنگاتنگ در پی بهره‌گیری از مزایای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره، به‌ویژه دریافت سهم بیشتری از درآمد و بالابردن سطح اشتغال ناشی از بهینه‌سازی این صنعت خدماتی در کشورهای متبوع خود هستند (Gay & Fayosola , 1998, P. 7). گردشگری امروزه به یک رکن تجارت تبدیل شده است و درآمد سرشاری برای کشورهایی که جاذبۀ توریستی دارند، به همراه دارد (Lotfi Khachki, 2008, P. 172). یکی از بخش‌های مهم اقتصادی کشورها، گردشگری است که سهم بسزایی در رشد و توسعۀ اقتصادی دارد. این رشته از فعالیت‌ها نه‌تنها باعث سرمایه‌گذاری خصوصی در بخش گردشگری می‌شود، بلکه بیشتر دولت‌ها نیز مقادیر زیادی از منابع انسانی و مالی خود را صرف این‌گونه درآمد ملی، یعنی گردشگری می‌کنند که تأثیر زیادی در رشد اقتصادی کشور دارد و کشور را از وابستگی اقتصادی به یک منبع درآمد دور می‌کند (Ghavidel, 1999, P. 14). گردشگری به‌مثابۀ یک نظام پیچیده با ابعاد بزرگ می‌تواند راه برون‌رفت از تنگنای اقتصادی باشد. توسعۀ صنعت گردشگری با رویکرد عدالت‌محور در مقیاس ناحیه‌ای می‌تواند بر رشد تمام بخش‌های اقتصادی تأثیرات مثبتی بر جای بگذارد و درنتیجه هر ناحیه نیازمند برنامه‌ریزی گردشگری جامع است که به توسعۀ متعادل و پایدار دست یابد.

۴. پیشینۀ پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در زمینۀ تعیین سطح توسعه‌یافتگی مناطق و بررسی نابرابری نواحی، در داخل و خارج از کشور با استفاده از روش‌های مختلف صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

Tosun، Timothy و Öztürk (۲۰۰۳) در تحقیق خود، توسعۀ ملی و نابرابری منطقه‌ای در ترکیه را مطالعه کردند. در این مطالعه با بررسی اثرات رشد گردشگری انبوه، به‌ویژه بر توسعۀ مناطق روستایی و توسعۀ ملی نتیجه می‌گیرند که تراکم فضایی سرمایه‌گذاری گردشگری انبوه ناشی از سیاست‌های تشویقی گردشگری در مناطق توسعه‌یافته، نابرابری را در بین مناطق و طبقات افزایش داده است. Li در سال ۲۰۱۶، نقش توسعۀ گردشگری را در کاهش نابرابری درآمدی در بین مناطق مختلف چین در دورۀ ۲۰۱۰-۱۹۹۷ با استفاده از مدل خودرگرسیونی فضایی- زمانی مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که توسعۀ صنعت گردشگری سبب کاهش نابرابری منطقه‌ای در این کشور شده و در این راستا تأثیر گردشگری داخلی بر کاهش نابرابری درآمدی مؤثرتر از گردشگری بین‌المللی است. Lv, (2019)، تأثیر توسعۀ گردشگری بر نابرابری ناحیه‌ای را مطالعه کرد. این مطالعه به بررسی تأثیر گردشگری بر نابرابری منطقه‌ای از سال ۲۰۱۲-۱۹۹۵ در ۱۱۳ کشور جهان با استفاده از نمایندۀ نابرابری پرداخته و نتایج، رابطۀ تعادلی طولانی‌مدت بین متغیرهای موجود را تأیید می‌کند. به‌ویژه، نتایج حاصل از پانل‌های کاملاً اصلاح‌شده حداقل مربعات

معمولی (FMOLS) نشان می‌دهد که گردشگری تأثیر منفی بلندمدت بر نابرابری منطقه‌ای دارد و این نشان می‌دهد که ترویج توسعۀ گردشگری ابزاری مؤثرتر برای دستیابی به توسعۀ منطقه‌ای است. علاوه بر این، نتایج حاصل از آزمون علیت Dumitrescu-Hurlin Granger نشان می‌دهد، علیت یک‌طرفه از توسعۀ گردشگری به نابرابری منطقه‌ای است. Sinha، Driha و Balsalobre-Lorente (۲۰۲۰) ارتباط بین توسعۀ گردشگری و نابرابری در دسترسی به منابع آب برای ۲۵ مقصد برتر گردشگری را مطالعه کردند. نتایج نشان می‌دهد، ارتباط دوطرفه بین توسعۀ گردشگری و نابرابری در دسترس بودن سرانۀ آب وجود دارد. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری در گردشگری نه‌تنها باعث درآمد گردشگری می‌شود، بلکه باعث نابرابری در دسترسی به سرانۀ آب می‌شود و دارای پیامدهای سیاسی قابل توجهی برای گردشگری پایدار است.

Shamai و Musavand (۲۰۱۱) در مطالعۀ خود شهرستان‌های استان اصفهان را از لحاظ زیرساخت‌های گردشگری با استفاده از مدل Topsis و AHP بررسی و سطح‌بندی کردند. در این تحقیق، شهرستان‌های استان اصفهان را در سه سطح تقسیم‌بندی کردند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، بین متغیر زیرساخت‌ها و تعداد گردشگران همبستگی مثبت وجود دارد.

Meshkini، Amir Hajiloo و Zanganeh (۲۰۱۷) تبیین نابرابری در توسعۀ صنعت گردشگری ایران را مطالعه کردند. در این مطالعه، روابط بین عاملان که تولیدکنندۀ نابرابری در توسعه هستند، در سه سطح سازوکار یا سیاست‌های گردشگری (سطح واقعی)، عاملان و ذی‌نفعان (سطح بالفعل) و فضا (سطح تجربی) طبقه‌بندی شدند. نتایج نشان می‌دهد، رویکردهای پوزیتیویسم در مطالعۀ نابرابری گردشگری در ایران مشارکت گروه‌های ذی‌نفع را در سیاست شهری در نظر نمی‌گیرد و به نیروهای اجتماعی-فضایی گسترده که فراتر از سطح محلی عمل می‌کنند، توجهی نشان نمی‌دهد.

Afrakhteh، Rahnamaei و Tahmasebi (۲۰۱۶، ص. ۱۰۷) نابرابری‌های فضایی در توسعۀ منابع گردشگری استان اردبیل را مورد مطالعه قرار دادند. بدین‌منظور مدل مفهومی تحقیق با بهره‌گیری از عناصر اصلی گردشگری و استفاده از ۹ شاخص و ۴۶ متغیر برای بررسی وضعیت توزیع فضایی منابع گردشگری و توسعۀ آن در بین شهرستان‌های ده‌گانه استان ایجاد شد. نتایج نشان می‌دهد، الگوی فضایی توسعۀ عناصر و منابع گردشگری تسهیلات و امکانات اقامتی با ضریب تغییرات ۲/۷۸ بالاترین میزان نابرابری را داشته؛ درحالی‌که ضریب پراکندگی جاذبه‌های گردشگری ۰/۶۸ بوده است؛ به عبارتی نابرابری تسهیلات اقامتی و سایر عناصر گردشگری از جاذبه‌های گردشگری تبعیت نکرده‌اند؛ ازاین‌رو از نظر رتبه‌بندی و سطح‌بندی توسعۀ گردشگری شهرستان سرعین در رتبۀ اول و در سطح توسعه بالا قرار دارد.

Beheshti، Mohammadzadeh و Ghassemlou (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان نقش صنعت گردشگری در ایجاد نابرابری درآمدی در بین استان‌های کشور بیان می‌دارند که بین توسعۀ صنعت گردشگری و نابرابری درآمدی در بین استان‌ها، رابطۀ معنادار و منفی وجود دارد و توسعۀ این صنعت با شکل و ماهیت فعلی باعث کاهش نابرابری درآمدی در بین استان‌ها شده است. مطالعۀ پیشینۀ تحقیق نشان می‌دهد که گردشگری، پتانسیل تأثیرگذاری بر نابرابری منطقه‌ای را دارد، اما مطالعات محدودی در این خصوص انجام شده است. اگرچه بسیاری از مطالعات تأکید می‌کنند که گردشگری می‌تواند نابرابری منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار دهد، بیشتر آنها فقط به گردشگری بین‌المللی متمرکز می‌کنند، درحالی‌که گردشگری داخلی که بخش بیشتری از کل درآمد گردشگری در کشورهای بزرگی مانند آمریکا و چین را تشکیل می‌دهد، مورد غفلت قرار گرفته یا دست‌کم گرفته می‌شود. علاوه بر این، بررسی توسعۀ فضایی و نابرابری‌های فضایی با نگاه جدید (تحلیل آثار اقتصادی صنعت گردشگری در نابرابری‌های ناحیه‌ای) بسیار تازه بوده و مطالعات کمی در این خصوص، به‌ویژه در داخل کشور صورت گرفته است؛ به‌ویژه اینکه در پژوهش‌های خارجی،

بر عوامل سیاسی و ایدئولوژیک تأکید زیادی شده است؛ بنابراین این مطالعه تلاش با عنایت به نقش حیاتی گردشگری در توسعهٔ ناحیه‌ای و خلأ یک بررسی جامع در این زمینه به ارائهٔ تصویری شفاف از وضعیت موجود نحوهٔ توزیع امکانات و زیرساخت‌های گردشگری و تأثیر آن بر نابرابری‌های ناحیه‌ای در استان‌های نواحی مرکزی و شمال غرب ایران پرداخته است.

۵. منطقهٔ مورد مطالعه

نواحی مرکزی ایران و شمال غرب ایران محدودهٔ مورد مطالعه پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. شمال غرب کشور در این پژوهش شامل استان‌های اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی است که در قسمت شمال با کشورهای آذربایجان، ارمنستان و در غرب با کشورهای ترکیه و عراق همسایه بوده و در قسمت جنوب با استان‌های کردستان و زنجان و در قسمت شرق با استان گیلان دارای مرز مشترک است. نواحی مرکزی نیز شامل استان‌های اصفهان و یزد و کرمان است که با استان‌های خراسان رضوی، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، فارس، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، مرکزی، قم و استان سمنان هم‌جوار هستند. شکل ۱ موقعیت محدودهٔ مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

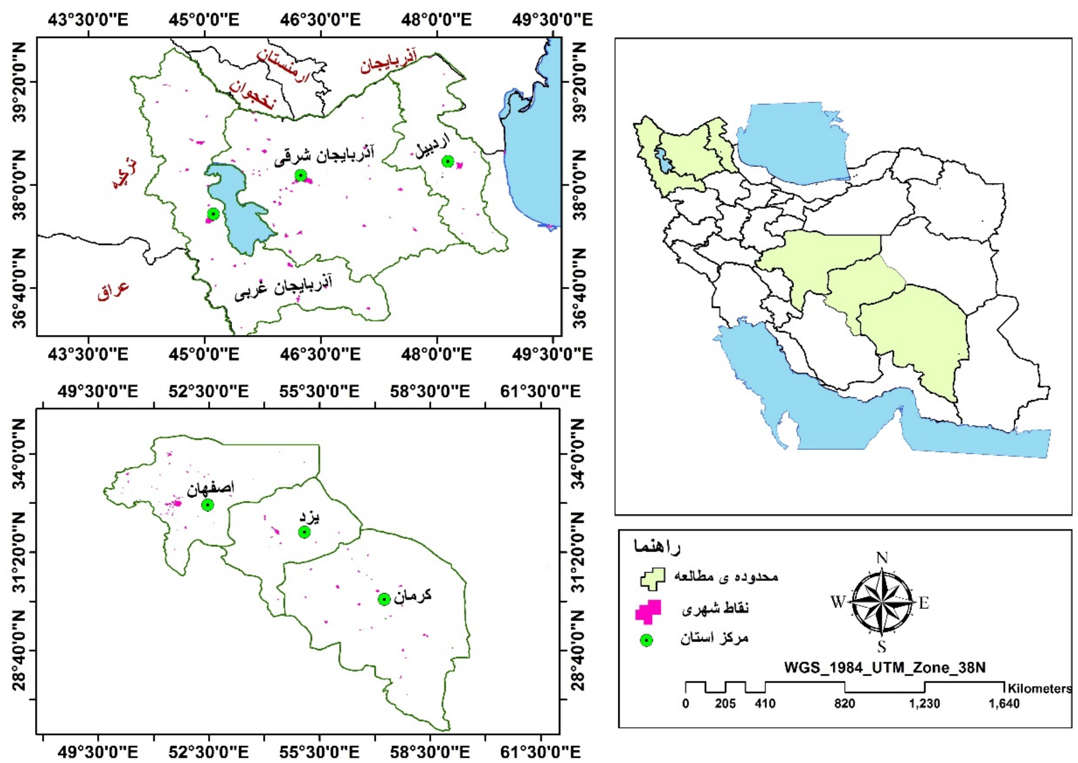

شکل ۱. موقعیت جغرافیایی استان‌های منتخب در دو ناحیهٔ مورد مطالعه (منبع: نگارنده)

این پژوهش از نوع کاربردی است که با ترکیبی از روش‌های توصیفی، تطبیقی و تحلیلی انجام گرفته است. جهت تشریح وضع موجود منطقه، از روش توصیفی و جهت انطباق مجموعه مشخصات محدودهٔ مورد مطالعه با معیارهای گردشگری و زیرساخت‌های ارتباطی و شبکهٔ حمل‌ونقل و نتیجه‌گیری و ارائهٔ راهکارهای مناسب از روش تصمیم‌گیری چندمعیاری تاپسیس استفاده شده است.

۶. روایی و پایایی تحقیق

یکی از روش‌های محاسبه قابلیت پایایی ضریب آلفای کرونباخ[1] است. دامنهٔ ضریب اعتماد آلفای کرونباخ از صفر، به معنی عدم پایداری تا ۱ + به معنای پایایی کامل است که هرچه این مقدار به ۱ نزدیک‌تر باشد، قابلیت اعتماد پرسشنامه بیشتر می‌شود. طبق قاعدهٔ تجربی، مقدار آلفا باید بیشتر از ۰/۷ باشد تا بتوان مقیاس را دارای پایایی به شمار آورد (Divas, 2006, P. 64). برای محاسبهٔ ضریب پایایی، ابتدا در مرحلهٔ پیش‌آزمون، ۳۷ پرسشنامه توزیع و تکمیل شد.

در این پژوهش، برای ارزیابی کفایت نمونه‌گیری از ضریب KMO (شاخص کفایت نمونه‌گیری) استفاده شد. در خصوص باید گفت که ارزش عددی KMO بالاتر از ۰/۷ است که نشان از مطلوب‌بودن کفایت نمونه دارد. در مرحلهٔ دوم با واردکردن داده‌های جمع‌آوری شده به نرم‌افزار SPSS- v25 (SPSS Inc., Chicago, Ill., USA) و انجام آزمون آلفای کرونباخ، ضریب آلفای ۰/۸۴۴ برآورد شد؛ بنابراین با توجه به اینکه میزان آلفای کرونباخ محاسبه‌شده بالاتر از ۰/۷ است، می‌توان گفت پرسشنامه از پایایی لازم برخوردار است (جدول ۱ و شکل ۲).

جدول ۱. برآورد پایایی ابزار اندازه‌گیری تحقیق

آزمون پایایی	تعداد پاسخگویان (نفر)	ضریب آلفای کرونباخ
پیش‌آزمون	۳۷	۰/۸۴۴
تأیید پایایی پرسشنامهٔ تحقیق: میزان آلفای کرونباخ محاسبه‌شده بالاتر از ۰/۷ است.		

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷

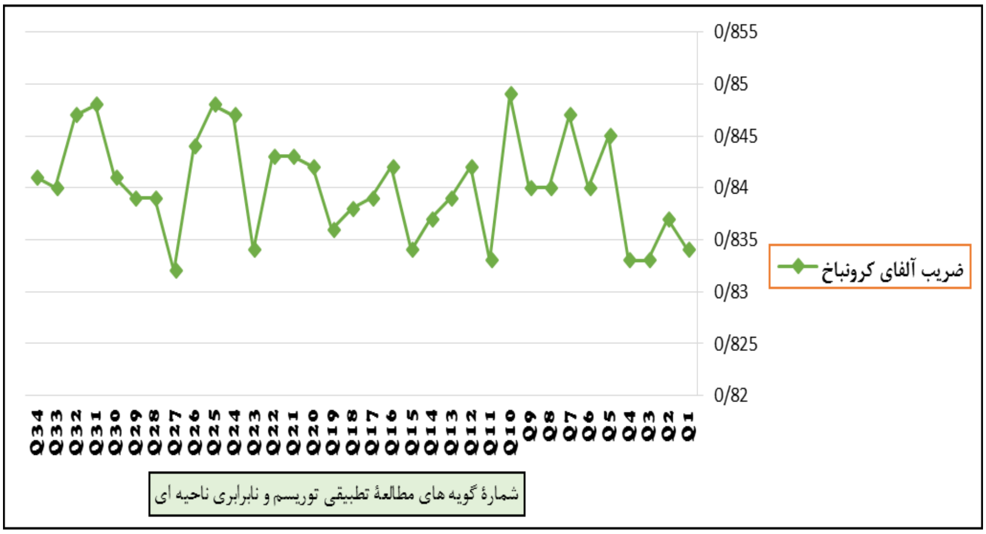

شکل ۲. برآورد پایایی ابزار اندازه‌گیری تحقیق

منبع: نگارندگان

۷. جامعهٔ آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعهٔ آماری تحقیق شامل گردشگران نواحی شمال غرب و مرکزی ایران است که براساس سرشماری ۱۳۹۵، مجموع جمعیت محدوده ۱۷.۸۶۹.۳۹۲ نفر است که از بین آنها ۳۸۴ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای[2] به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند؛ بنابراین با در نظر گرفتن

1. Cronbach's Alpha

2. Clustering Random Sampling

میزان جمعیت شهرها، دهستان‌ها، بخش‌ها، شهرستان‌ها و استان‌های نواحی مورد مطالعه در چارچوب فرمول کوکران، تعداد نمونه‌های انتخابی از هر شش استان به شرح زیر است: براساس نمونه‌گیری خوشه‌ای هریک از رده‌های سلسله‌مراتب سیاسی ـ اداری (شهر، دهستان، بخش‌ها و... محدودهٔ مورد مطالعه) به‌عنوان «خوشه» در نظر گرفته شدند و از بین آنها برخی به‌صورت تصادفی برای جمع‌آوری اطلاعات انتخاب شدند تا شانس انتصاب برابر و مساوی انتخاب‌شوندگان که اعتبار و عدم سوگیری نتایج تحقیق را بالا می‌برد، رعایت شود (جدول ۲). حدود ۴۷ درصد پاسخ‌دهندگان از ناحیهٔ شمال غرب و ۵۳ درصد نیز از ناحیهٔ مرکزی ایران انتخاب شدند.

جدول ۲. حجم جامعه و حجم نمونهٔ آماری براساس نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای

ناحیه	جامعهٔ آماری	حجم جامعهٔ آماری (نفر)	حجم نمونه (نفر)	حجم نمونه (درصد)
شمال غرب	آذربایجان شرقی	۳.۹۰۹.۶۵۲	۸۴	۲۲
	آذربایجان غربی	۳.۲۶۵.۲۱۹	۷۰	۱۸
	اردبیل	۱۲۷.۰۴۲۰	۲۷	۷
مرکزی	اصفهان	۵۱۲.۰۸۵۰	۱۱۰	۲۹
	کرمان	۳.۱۶۴.۷۱۸	۶۸	۱۸
	یزد	۱.۱۳۸.۵۳۳	۲۵	۶
جمع		۱۷.۸۶۹.۳۹۲	۳۸۴	۱۰۰

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷

حجم نمونه برای تکمیل پرسشنامه مطابق فرمول کوکران (معادلهٔ ۱) تعیین شد. دسترسی به نمونه نیز با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده عملی شد.

در این فرمول t اندازهٔ متغیر در توزیع طبیعی؛ p درصد توزیع صفت در جامعه (درصد افرادی که دارای صفت مورد مطالعه است)؛ q درصد افرادی که فاقد آن صفت در جامعه هستند؛ d احتمال خطای برآورد؛ n حجم نمونه و N هم حجم جامعه است. حجم نمونه با ضریب خطای ۵ درصد و سطح اطمینان ۹۵ درصد برآورد شده است.

معادلهٔ ۱

$$n=\frac{\frac{t^2pq}{d^2}}{1+\frac{1}{N}(\frac{t^2pq}{d^2}-1)}=n=\frac{\frac{1.96^2(0.5)(0.5)}{d(0.05)^2}}{1+\frac{1}{17869392}(\frac{t1.96^2(0.5)(0.5)}{1.96^2}-1)}=384$$

۸. مدل تاپسیس

یکی از روش‌های رتبه‌بندی که واجد قدرت بالایی در تفکیک گزینه‌هاست، تکنیک رتبه‌بندی ترجیحات براساس شباهتشان به راه‌حل ایده‌آل و دوری از راه‌حل ایده‌آل منفی است که به‌صورت اختصار با نام تاپسیس شناخته می‌شود (Arab Ameri & Shirani, 2017, P. 153). این روش از جمله روش‌های فاصله‌محور و ساده، اما کارآمد در اولویت‌بندی محسوب می‌شود که در سال ۱۹۹۲ توسط چن و هوانگ ارائه شده است (Opricovic & Tzeng, 2004). این روش از

کاربردی‌ترین زیرمجموعه‌های MADM است (Chakraborty, 2011). الگوریتم تاپسیس یک تکنیک تصمیم‌گیری چندشاخصۀ جبرانی بسیار قوی برای اولویت‌بندی گزینه‌ها از طریق شبیه‌کردن به پاسخ ایده‌آل است که به تکنیک وزن‌دهی، حساسیت بسیار کمی دارد و پاسخ‌های حاصل از آن تغییر زیادی نمی‌کند. در این روش گزینۀ انتخاب‌شده باید کوتاه‌ترین فاصله را از جواب ایده‌آل و دورترین فاصله را از ناکارآمدترین جواب داشته باشد (Nemati, Nozari & Abbasi, 2014, P. 64).

۹. یافته‌ها

با توجه به ساختار تصمیم در تحقیق حاضر، یا به عبارت دیگر هدف اصلی این پژوهش مبنی بر وجود معیارهای چندگانه در ارزیابی گزینه‌های راهکار (استان‌ها)، به نظر می‌رسد خانواده تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره (MCDM) و از بین آنها تکنیک تاپسیس می‌تواند به بهترین شکل هدف این پژوهش که تحلیل آثار مختلف گردشگری در استان‌های نواحی مرکزی و شمال غرب کشور و نابرابری‌های ناحیه‌ای حاصل از آن در قالب شاخص‌های تلفیقی انتخابی مبتنی بر معیارهای علمی توسعه‌یافتگی و نابرابری برآورده کند. درنهایت با مقایسۀ نتایج مشخص می‌شود که آیا توسعۀ صنعت گردشگری در مناطق مورد مطالعه توانسته است نابرابری‌ها را کاهش دهد یا نه؟ این تکنیک با دارابودن منطقی ریاضی در رتبه‌بندی می‌تواند با استفاده از داده‌های موجود، هدف یادشده را تحقق بخشد؛ بنابراین در این بخش سنجش کلی نابرابری ناحیه‌ای حاصل از گردشگری در نواحی مرکزی و شمال غرب ایران با استفاده از داده‌های مرکز آمار در شاخص‌های مرتبط با گردشگری و با بهره‌گیری از مدل تاپسیس[1] انجام شده است. حدود ۳۲ شاخص (X1 تا X32) از آمارنامه‌های رسمی (آخرین سالنامۀ آماری منتشرشده نواحی مورد مطالعه، طرح گردشگری ملی، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن و آمارنامه‌های سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی) استخراج شد و در ادامه به‌صورت یکپارچه و گام به گام در مدل تاپسیس تحلیل شد (جدول ۳). در جدول ۴ نیز تشکیل ماتریس داده‌ها برای سنجش کارکردهای صنعت گردشگری در نابرابری‌های ناحیه‌ای محدودۀ مورد مطالعه آمده است.

جدول ۳. شاخص‌های سنجش کارکردهای صنعت گردشگری در نابرابری‌های ناحیه‌ای محدودۀ مورد مطالعه

شاخص	کد	شاخص	کد
دفاتر مسافرتی	X1	مراکز آموزشی دورۀ صنایع‌دستی	X17
آثار تاریخی ثبت‌شدۀ جهانی (۹۵-۹۰)	X2	نمایشگاه صنایع‌دستی برگزارشده (۹۵)	X18
میراث طبیعی ثبت‌شده	X3	مجوزهای تأسیس تولید صنایع‌دستی	X19
میراث ناملموس ملی	X4	کارکنان دولت در میراث فرهنگی و گردشگری	X20
جرائم مصوب در سطح ملی	X5	تعداد پرواز ورودی	X21
آثار تاریخی ثبت‌شده در جهان	X6	تعداد پرواز خروجی	X22
آموزشگاه فعال گردشگری	X7	شرکت‌های تعاونی حمل‌ونقل فعال	X23
آثار غیرمنقول فرهنگی- تاریخی	X8	جمع کل راه‌ها (کیلومتر)	X24
همایش برگزارشدۀ هنر سنتی (سال ۹۵)	X9	تعداد راهدارخانه	X25
تعداد سفره‌خانۀ سنتی	X10	وسایل نقلیۀ عمومی درون‌شهری	X26

1. Technique for Order Preferences by Similarity to Ideal Solution (TOPSIS)

شاخص	کد	شاخص	کد
تعداد راهنمایان تور مسافرتی	X11	اعضای شرکت حمل‌ونقل فعال	X27
نمایندگی NGO های فعال در گردشگری	X12	شاغلان حمل‌ونقل	X28
اعضای NGO های فعال در گردشگری	X13	میزان سرمایه‌گذاری (میلیون ریال)	X29
تعداد سینما	X14	تعداد پایانه	X30
تعداد سالن سینما	X15	جمع اقامتگاه‌ها	X31
گنجایش صندلی سینما	X16	پارک‌های عمومی	X32

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷

فرایند و الگوریتم تکنیک تاپسیس براساس تشابه به راه‌حل ایده‌آل در شش مرحله به شرح زیر خلاصه شده است.

مرحلهٔ اول: تشکیل ماتریس داده‌ها

براساس **m** آلترناتیو و **n** شاخص، به‌صورت معادلهٔ زیر:

معادلهٔ ۲

$$A_{ij} = \begin{bmatrix} a_{11} & a_{12} & \cdots & a_{1n} \\ a_{21} & a_{22} & \cdots & a_{2n} \\ \vdots & & & \vdots \\ a_{m1} & a_{m2} & \cdots & a_{mn} \end{bmatrix}$$

جدول ۴. تشکیل ماتریس داده‌ها برای سنجش کارکردهای صنعت گردشگری در نابرابری‌های ناحیه‌ای محدوده مورد مطالعه

شاخص‌ها	ناحیهٔ شمال غرب			ناحیهٔ مرکزی		
	آذربایجان شرقی	آذربایجان غربی	اردبیل	اصفهان	کرمان	یزد
X1	۲۲۷	۶۷	۳۸	۱۷۷	۱۳۲	۷۱
X2	۰	۰	۰	۴	۵	۴
X3	۱۵	۸	۰	۳	۲	۱۶
X4	۳۶	۱۴	۳۱	۵۸	۳۱	۱۷
X5	۵۳	۶۰	۸	۷	۴	۴۷
X6	۴	۳	۱	۹	۹	۴
X7	۲	۱	۴	۶	۴	۳
X8	۸	۱۳	۲	۲۰	۶۳	۳
X9	۱	۰	۰	۰	۱	۲
X10	۱۸	۰	۳	۱۵	۵	۱۷
X11	۲۳۰	۷۲	۸۳	۳۵۹	۲۵۰	۳۴۷
X12	۹	۱۰	۶	۳۴	۲۳	۱۹
X13	۲۱۳	۷۰۹	۶۵۹۴	۳۶۲۹	۳۱۰۶	۳۵۲۳
X14	۱۳	۷	۴	۲۴	۷	۷
X15	۱۶	۷	۴	۳۰	۹	۱۱

شاخص‌ها	ناحیهٔ شمال غرب			ناحیهٔ مرکزی		
	آذربایجان شرقی	آذربایجان غربی	اردبیل	اصفهان	کرمان	یزد
X16	۵۶۳۵	۳۵۹۷	۱۸۴۸	۸۹۳۵	۲۶۷۰	۳۲۹۵
X17	۱۶	۶	۹	۱۶	۳	۵
X18	۱	۱	۱	۱	۱	۱
X19	۱۷۶۰	۷۶۲	۱۱۶۴	۵۱۵۷	۲۷۹	۹۵۸
X20	۲۳۲	۱۴۶	۱۴۴	۵۱۰	۳۴۹	۲۲۱
X21	۶۴۰۴	۱۶۱۷	۹۲۲	۹۵۳۰	۲۷۵۷	۲۹۹۰
X22	۶۴۰۹	۱۶۱۷	۹۲۲	۹۵۳۰	۲۷۵۲	۲۹۹۰
X23	۹۸	۳۳	۳۳	۱۰۳	۹۳	۹۱
X24	۱۴.۲۰۰	۸۰۲۸	۵۳۲۹	۹۸۶۳	۱۰.۰۷۳	۴۹۹۰
X25	۵۲	۶۶	۱۰	۵۲	۳۳	۱۴
X26	۱۸.۱۸۲	۱۴.۴۶۷	۴۱۴۱	۲۵.۹۶۷	۱۱.۰۷۴	۳۰۷۰
X27	۱۳.۳۸۶	۶۵۰۲	۵۶۸۱	۱۸.۳۴۹	۵۱۴۲	۳۴۳۲
X28	۲۳۸۹	۱۷۹۶	۴۶۳	۱۹۹۲	۱۰۹۳	۹۱۵
X29	۱۳.۹۹۰	۱۲.۹۳۲	۲۰.۳۱۱	۸۱.۹۷۷	۳۳.۹۲۴	۱۶.۰۳۷
X30	۳۰	۱۹	۲۲	۲۶	۹	۳
X31	۱۶۷	۹۴	۲۲۳	۲۹۷	۱۶۷	۷۵
X32	۴۹۲	۳۷۱	۱۷۷	۱۴۱۶	۶۳۵	۳۹۰

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵

مرحلهٔ دوم: تهیهٔ ماتریس نرمالیزه‌شده

احتمال قوی وجود دارد که مقادیر کمی تعلق‌گرفته به معیارها و شاخص‌ها دارای یک واحد نباشد و باید بعد[4] واحد آنها از بین برده شود و این مقادیر کمی را به ارقام بدون بعد تبدیل کرد که از طریق معادلهٔ ۳ صورت می‌گیرد:

در این زمینه جدول ۵ که نشانگر ماتریس استاندارد شاخص‌های به‌کاررفته برای ارزیابی نابرابری‌های ناحیه‌ای حاصل از گردشگری در نواحی مرکزی و شمال غرب ایران است، تهیه شده است.

معادلهٔ ۳

$$r_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sqrt{\sum_{k=1}^{m} a_{kj}^2}}$$

4. Dimension

جدول ۵. ماتریس استاندارد شاخص‌های به‌کاررفته برای سنجش کارکردهای صنعت گردشگری در نابرابری‌های ناحیه‌ای محدودۀ مورد مطالعه

شاخص‌ها	ناحیۀ شمال غرب			ناحیۀ مرکزی		
	آذربایجان شرقی	آذربایجان غربی	اردبیل	اصفهان	کرمان	یزد
X1	۰/۶۸۱	۰/۲۰۱	۰/۱۱۴	۰/۵۳۱	۰/۳۹۶	۰/۲۱۳
X2	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۳۰	۰/۶۶۲	۰/۵۳۰
X3	۰/۶۳۵	۰/۳۳۹	۰/۰۰۰	۰/۱۲۷	۰/۰۸۵	۰/۶۷۷
X4	۰/۴۲۸	۰/۱۶۷	۰/۳۶۹	۰/۶۹۰	۰/۳۶۹	۰/۲۰۲
X5	۰/۵۶۷	۰/۶۴۲	۰/۰۸۶	۰/۰۷۵	۰/۰۴۳	۰/۵۰۳
X6	۰/۲۸۰	۰/۲۱۰	۰/۰۷۰	۰/۶۳۰	۰/۶۳۰	۰/۲۸۰
X7	۰/۲۲۱	۰/۱۱۰	۰/۴۴۲	۰/۶۶۳	۰/۴۴۲	۰/۳۳۱
X8	۰/۱۱۸	۰/۱۹۱	۰/۰۲۹	۰/۲۹۴	۰/۹۲۷	۰/۰۴۴
X9	۰/۴۰۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۰۸	۰/۸۱۶
X10	۰/۶۱۰	۰/۰۰۰	۰/۱۰۲	۰/۵۰۸	۰/۱۶۹	۰/۵۷۶
X11	۰/۳۷۵	۰/۱۱۷	۰/۱۳۵	۰/۵۸۵	۰/۴۰۷	۰/۵۶۵
X12	۰/۱۸۹	۰/۲۱۰	۰/۱۲۶	۰/۷۱۵	۰/۴۸۳	۰/۳۹۹
X13	۰/۰۲۴	۰/۰۸۰	۰/۷۴۱	۰/۴۰۸	۰/۳۴۹	۰/۳۹۶
X14	۰/۴۳۱	۰/۲۳۲	۰/۱۳۳	۰/۷۹۶	۰/۲۳۲	۰/۲۳۲
X15	۰/۴۲۴	۰/۱۸۶	۰/۱۰۶	۰/۷۹۵	۰/۲۳۹	۰/۲۹۲
X16	۰/۴۶۶	۰/۲۹۸	۰/۱۵۳	۰/۷۴۰	۰/۲۲۱	۰/۲۷۳
X17	۰/۶۲۱	۰/۲۳۳	۰/۳۵۰	۰/۶۲۱	۰/۱۱۷	۰/۱۹۴
X18	۰/۴۰۸	۰/۴۰۸	۰/۴۰۸	۰/۴۰۸	۰/۴۰۸	۰/۴۰۸
X19	۰/۳۰۸	۰/۱۳۳	۰/۲۰۴	۰/۹۰۳	۰/۰۴۹	۰/۱۶۸
X20	۰/۳۲۰	۰/۲۰۱	۰/۱۹۸	۰/۷۰۳	۰/۴۸۱	۰/۳۰۵
X21	۰/۵۲۰	۰/۱۳۱	۰/۰۷۵	۰/۷۷۳	۰/۲۲۴	۰/۲۴۳
X22	۰/۵۲۰	۰/۱۳۱	۰/۰۷۵	۰/۷۷۳	۰/۲۲۳	۰/۲۴۳
X23	۰/۴۹۴	۰/۱۶۶	۰/۱۶۶	۰/۵۱۹	۰/۴۶۹	۰/۴۵۹
X24	۰/۶۲۴	۰/۳۵۳	۰/۲۳۴	۰/۴۳۳	۰/۴۴۳	۰/۲۱۹
X25	۰/۴۹۲	۰/۶۲۵	۰/۰۹۵	۰/۴۹۲	۰/۳۱۳	۰/۱۳۳
X26	۰/۴۹۲	۰/۳۹۲	۰/۱۱۲	۰/۷۰۳	۰/۳۰۰	۰/۰۸۳
X27	۰/۵۳۴	۰/۲۵۹	۰/۲۲۷	۰/۷۳۲	۰/۲۰۵	۰/۱۳۷
X28	۰/۶۱۴	۰/۴۶۱	۰/۱۱۹	۰/۵۱۲	۰/۲۸۱	۰/۲۳۵
X29	۰/۱۴۸	۰/۱۳۷	۰/۲۱۵	۰/۸۶۹	۰/۳۶۰	۰/۱۷۰
X30	۰/۵۹۹	۰/۳۷۹	۰/۴۳۹	۰/۵۱۹	۰/۱۸۰	۰/۰۶۰
X31	۰/۳۶۶	۰/۲۰۶	۰/۴۸۹	۰/۶۵۱	۰/۳۶۶	۰/۱۶۴
X32	۰/۲۸۵	۰/۲۱۵	۰/۱۰۳	۰/۸۲۱	۰/۳۶۸	۰/۲۲۶

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷

مرحلۀ سوم: وزن‌دهی شاخص‌ها

در این مرحله، می‌توان به هریک از شاخص‌ها براساس نظریات شخصی، رویکردها و نظرات کارشناسانه و براساس اهمیت هر معیار و شاخص، با استفاده از مدل‌های وزن‌دهی، مثل مدل Linmap، مدل AHP و مدل Antropi وزن‌دهی کرد. سپس عدد هر معیار را در وزن همان معیار ضرب و ماتریس داده‌های استاندارد را پس از وزن‌دهی مشخص کرد. در اینجا برای وزن‌دهی از روش تحلیل سلسله‌مراتبی با استفاده از مرحلۀ دو که تعیین اهمیت هر معیار براساس مقیاس ۹ کمیتی ساعتی است، بهره گرفته شد. در این پژوهش برای وزن‌دهی به معیارها از مدل AHP استفاده شد که وزن هریک از معیارها (شاخص‌ها) در جدول ۶ آمده است. در جدول ۷ نیز ماتریس استاندارد وزن‌دار شاخص‌های به‌کاررفته برای سنجش کارکردهای صنعت گردشگری در نابرابری‌های ناحیه‌ای محدودۀ مورد مطالعه بیان شده‌است.

جدول ۶. وزن‌دهی به شاخص‌های به‌کاررفته در مدل Topsis با استفاده از مدل AHP

شاخص	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8
وزن	۰/۰۵۰	۰/۰۷۳	۰/۰۴۱	۰/۰۲۳	۰/۰۳۱	۰/۰۱۳	۰/۰۲۱	۰/۰۱۱
شاخص	X9	X10	X11	X12	X13	X14	X15	X16
وزن	۰/۰۳۳	۰/۰۳۷	۰/۰۳۵	۰/۰۳۳	۰/۰۱۰	۰/۰۴۴	۰/۰۴۶	۰/۰۳۲
شاخص	X17	X18	X19	X20	X21	X22	X23	X24
وزن	۰/۰۳۲	۰/۰۱۴	۰/۰۴۱	۰/۰۳۸	۰/۰۳۴	۰/۰۳۱	۰/۰۲۸	۰/۰۲۱
شاخص	X25	X26	X27	X28	X29	X30	X31	X32
وزن	۰/۰۲۳	۰/۰۲۳	۰/۰۱۱	۰/۰۴۵	۰/۰۳۶	۰/۰۲۸	۰/۰۳۴	۰/۰۲۸

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷

مرحلۀ چهارم: تعیین فاصلۀ i امین آلترناتیو از آلترناتیو ایده‌آل

به معنی تعیین بالاترین عملکرد هر شاخص و تعیین پایین‌ترین عملکرد هر شاخص است.

جدول ۷. ماتریس استاندارد وزن‌دار شاخص‌های به‌کاررفته برای سنجش کارکردهای صنعت گردشگری در نابرابری‌های ناحیه‌ای محدودۀ مورد مطالعه

شاخص‌ها	ناحیۀ شمال غرب			ناحیۀ مرکزی		
	آذربایجان شرقی	آذربایجان غربی	اردبیل	اصفهان	کرمان	یزد
X1	۰/۰۳۴	۰/۰۱۰	۰/۰۰۶	۰/۰۲۷	۰/۰۲۰	۰/۰۱۱
X2	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۳۹	۰/۰۴۸	۰/۰۳۹
X3	۰/۰۲۶	۰/۰۱۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۳	۰/۰۲۸
X4	۰/۰۱۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۸	۰/۰۱۶	۰/۰۰۸	۰/۰۰۵
X5	۰/۰۱۸	۰/۰۲۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۱۶
X6	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸	۰/۰۰۴

شاخص‌ها	ناحیهٔ شمال غرب			ناحیهٔ مرکزی		
	آذربایجان شرقی	آذربایجان غربی	اردبیل	اصفهان	کرمان	یزد
X7	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	۰/۰۰۹	۰/۰۱۴	۰/۰۰۹	۰/۰۰۷
X8	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۱۰	۰/۰۰۰
X9	۰/۰۱۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۳	۰/۰۲۷
X10	۰/۰۲۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۱۹	۰/۰۰۶	۰/۰۲۱
X11	۰/۰۱۳	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	۰/۰۲۰	۰/۰۱۴	۰/۰۲۰
X12	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	۰/۰۰۴	۰/۰۲۴	۰/۰۱۶	۰/۰۱۳
X13	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۷	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴
X14	۰/۰۱۹	۰/۰۱۰	۰/۰۰۶	۰/۰۳۵	۰/۰۱۰	۰/۰۱۰
X15	۰/۰۲۰	۰/۰۰۹	۰/۰۰۵	۰/۰۳۷	۰/۰۱۱	۰/۰۱۳
X16	۰/۰۱۵	۰/۰۱۰	۰/۰۰۵	۰/۰۲۴	۰/۰۰۷	۰/۰۰۹
X17	۰/۰۲۰	۰/۰۰۷	۰/۰۱۱	۰/۰۲۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۶
X18	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶
X19	۰/۰۱۳	۰/۰۰۵	۰/۰۰۸	۰/۰۳۷	۰/۰۰۲	۰/۰۰۷
X20	۰/۰۱۲	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸	۰/۰۲۷	۰/۰۱۸	۰/۰۱۲
X21	۰/۰۱۸	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۰۲۶	۰/۰۰۸	۰/۰۰۸
X22	۰/۰۱۶	۰/۰۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۲۴	۰/۰۰۷	۰/۰۰۸
X23	۰/۰۱۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۱۵	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳
X24	۰/۰۱۳	۰/۰۰۷	۰/۰۰۵	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	۰/۰۰۵
X25	۰/۰۱۱	۰/۰۱۴	۰/۰۰۲	۰/۰۱۱	۰/۰۰۷	۰/۰۰۳
X26	۰/۱۱	۰/۰۰۹	۰/۰۰۳	۰/۰۱۶	۰/۰۰۷	۰/۰۰۲
X27	۰/۰۰۶	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۸	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲
X28	۰/۰۲۸	۰/۰۲۱	۰/۰۰۵	۰/۰۲۳	۰/۰۱۳	۰/۰۰۶
X29	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۸	۰/۰۳۱	۰/۰۱۳	۰/۰۰۶
X30	۰/۰۱۷	۰/۰۱۱	۰/۰۱۲	۰/۰۱۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲
X31	۰/۰۱۲	۰/۰۰۷	۰/۰۱۷	۰/۰۲۲	۰/۰۱۲	۰/۰۰۶
X32	۰/۰۰۸	۰/۰۰۶	۰/۰۰۳	۰/۰۲۳	۰/۰۱۰	۰/۰۰۶

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷

ماتریس تعیین بالاترین عملکرد (+Vj) و پایین‌ترین عملکرد (-Vj) هر شاخص در جدول ۷ بیان شده است.

مرحلهٔ پنجم

در این مرحله اقدام به تعیین معیار فاصله‌ای برای آلترناتیوهای حداقل و حداکثر شده است (جدول ۱۰ و ۹) که فرمول محاسبهٔ آن به شرح زیر است:

فاصله از ایده‌آل مثبت: فاصله از ایده‌آل منفی:

$$S_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^{n} (V_{ij} - V_j^-)} \qquad S_i^* = \sqrt{\sum_{j=1}^{n} (V_{ij} - V_j^-)}$$

مرحلهٔ ششم

در این گام، ضریبی که برابر است با تقسیم آلترناتیو حداقل بر آلترناتیو حداقل + آلترناتیو حداکثر به دست می‌آید و معادلهٔ آن به قرار زیر است:

معادلهٔ ۶

$$C_i^* = \frac{S_i^-}{S_i^- + S_i^*}$$

در این مرحله به رتبه‌بندی گزینه‌ها براساس ترتیب نزولی cl_i^+ این میزان که بین صفر و یک در نوسان است پرداخته شده است. در این راستا، $cl_i^+=۱$ نشان‌دهندهٔ بالاترین رتبه و $cl_i^+=۰$ نیز نشان‌دهندهٔ کمترین رتبه است. مقدار محاسبه‌شده برای سه کمیت «D+»، «D-» و «CI» بدین ترتیب است؛ مقدار «D+» در استان آذربایجان شرقی ۰/۰۷۵۹، آذربایجان غربی ۰/۱۰۳۹، اردبیل ۰/۱۱۲۶، اصفهان ۰/۰۴۲۶، کرمان ۰/۰۸۱۶ و یزد ۰/۰۸۰۷ است.

مقدار «D-» به‌ترتیب ۰/۲۷۵۴، ۰/۳۲۲۳، ۰/۳۳۵۶، ۰/۲۰۶۵، ۰/۲۸۵۷ و ۰/۲۸۴۲ برای استان‌های مذکور است؛ درنتیجه با توجه به این دو کمیت رتبهٔ نهایی و جایگاه هریک از شاخص‌ها مشخص شد. مقدار «CI» برای استان آذربایجان شرقی ۰/۰۷۸۴، آذربایجان غربی ۰/۷۵۶، اردبیل ۰/۷۴۹، اصفهان ۰/۸۲۹، کرمان ۰/۷۷۸ و یزد ۰/۷۷۹ محاسبه شده است. هرچه ضریب «CI» بالاتر باشد، نشان‌دهندهٔ مناسب‌بودن شاخص‌های گردشگری در هریک از نواحی و برعکس است. در رتبه‌بندی نهایی استان اصفهان در رتبهٔ ۱، آذربایجان شرقی در رتبهٔ ۲، یزد در جایگاه ۳، کرمان در رتبهٔ ۴، آذربایجان غربی در رتبهٔ ۵ و اردبیل در آخرین رده قرار گرفته‌اند؛ بنابراین کارکرد کلی صنعت گردشگری و اثرات ناحیه‌ای آن در ناحیهٔ مرکزی نسبتاً زیاد و بهتر بوده است. در ناحیهٔ شمال غرب فقط استان آذربایجان شرقی توانسته در جذب امکانات و زیرساخت‌های گردشگری موفق عمل کند و توسعه یابد (جدول ۱۱، شکل ۳ و ۴)؛ درنتیجه صنعت گردشگری نیز مانند متغیرهای کلان ملی، از جمله سیاست‌های اشتغال‌زایی، تمرکزگرایی شدید زیرساخت‌ها، قطب‌های صنعتی، سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، تبلیغات گسترده، کانون‌های خدماتی، موقعیت جغرافیایی (مرکزی و حاشیه‌ای) و شیوه‌های سرمایه‌گذاری و تخصیص منابع که همهٔ این‌ها اغلب در نواحی مرکزی انباشت شده و به نواحی حاشیه‌ای کمتر سرازیر می‌شوند، در جهت تشدید نابرابری‌های ناحیه‌ای حرکت کرده و هدایت شده و هیچ‌گونه تأثیر مثبتی بر توسعهٔ متوازن ناحیه‌ای بر جای نگذاشته است.

جدول ۸. ماتریس تعیین بالاترین و پایین‌ترین عملکرد هر شاخص

شاخص	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8
Vj^{+}	۰/۰۳۴	۰/۰۴۸	۰/۰۲۸	۰/۰۱۶	۰/۰۲۰	۰/۰۰۸	۰/۰۱۴	۰/۰۱۰
Vj^{-}	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰
شاخص	X9	X10	X11	X12	X13	X14	X15	X16
Vj^{+}	۰/۰۲۷	۰/۰۲۳	۰/۰۲۰	۰/۰۲۴	۰/۰۰۷	۰/۰۳۵	۰/۰۳۷	۰/۰۲۴
Vj^{-}	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵
شاخص	X17	X18	X19	X20	X21	X22	X23	X24
Vj^{+}	۰/۰۲۰	۰/۰۰۶	۰/۰۳۷	۰/۰۲۷	۰/۰۲۶	۰/۰۲۴	۰/۰۱۵	۰/۰۱۳
Vj^{-}	۰/۰۰۴	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۰/۰۰۸	۰/۰۰۳	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵
شاخص	X25	X26	X27	X28	X29	X30	X31	X32
Vj^{+}	۰/۰۱۴	۰/۰۱۶	۰/۰۰۸	۰/۰۲۸	۰/۰۳۱	۰/۰۱۷	۰/۰۲۲	۰/۰۲۳
Vj^{-}	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	۰/۰۰۶	۰/۰۰۳

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷

جدول ۹. ماتریس تعیین معیار فاصله‌ای برای آلترناتیوهای حداکثر

شاخص‌ها	ناحیهٔ شمال غرب			ناحیهٔ مرکزی		
	آذربایجان شرقی	آذربایجان غربی	اردبیل	اصفهان	کرمان	یزد
X1	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۵
X2	۰/۰۰۲۳	۰/۰۰۲۳	۰/۰۰۲۳	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱
X3	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۰۰
X4	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
X5	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۰
X6	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X7	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X8	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱
X9	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰
X10	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۰
X11	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X12	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
X13	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X14	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۰۶
X15	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۰۱۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۰۵
X16	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۲
X17	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۲

شاخص‌ها	ناحیهٔ شمال غرب			ناحیهٔ مرکزی		
	آذربایجان شرقی	آذربایجان غربی	اردبیل	اصفهان	کرمان	یزد
X18	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X19	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۱۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۰۰
X20	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۲
X21	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۳
X22	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۳
X23	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X24	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱
X25	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
X26	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۲
X27	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X28	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۳
X29	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۶
X30	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۲
X31	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۳
X32	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۳

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷

جدول ۱۰. ماتریس تعیین معیار فاصله‌ای برای آلترناتیوهای حداقل

شاخص‌ها	ناحیهٔ شمال غرب			ناحیهٔ مرکزی		
	آذربایجان شرقی	آذربایجان غربی	اردبیل	اصفهان	کرمان	یزد
X1	۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰
X2	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۱۵	۰/۰۰۲۳	۰/۰۰۱۵
X3	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۸
X4	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X5	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۲
X6	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰
X7	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X8	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰
X9	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۷
X10	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۵
X11	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۲
X12	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
X13	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰

شاخص‌ها	ناحیهٔ شمال غرب			ناحیهٔ مرکزی		
	آذربایجان شرقی	آذربایجان غربی	اردبیل	اصفهان	کرمان	یزد
X14	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۹	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X15	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۱۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱
X16	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X17	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X18	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X19	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X20	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰
X21	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X22	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X23	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱
X24	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X25	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X26	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X27	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X28	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰
X29	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰
X30	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X31	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
X32	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷

جدول۱۱:محاسبهٔ ci برای رتبهٔ نواحی

استان	D+	D-	CI	رتبه
آذربایجان شرقی	۰/۰۷۵۹	۰/۲۷۵۴	۰/۷۸۴	۲
آذربایجان غربی	۰/۱۰۳۹	۰/۳۲۲۳	۰/۷۵۶	۵
اردبیل	۰/۱۱۲۶	۰/۳۳۵۶	۰/۷۴۹	۶
اصفهان	۰/۰۴۲۶	۰/۲۰۶۵	۰/۸۲۹	۱
کرمان	۰/۰۸۱۶	۰/۲۸۵۷	۰/۷۷۸	۴
یزد	۰/۰۸۰۷	۰/۲۸۴۲	۰/۷۷۹	۳

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷

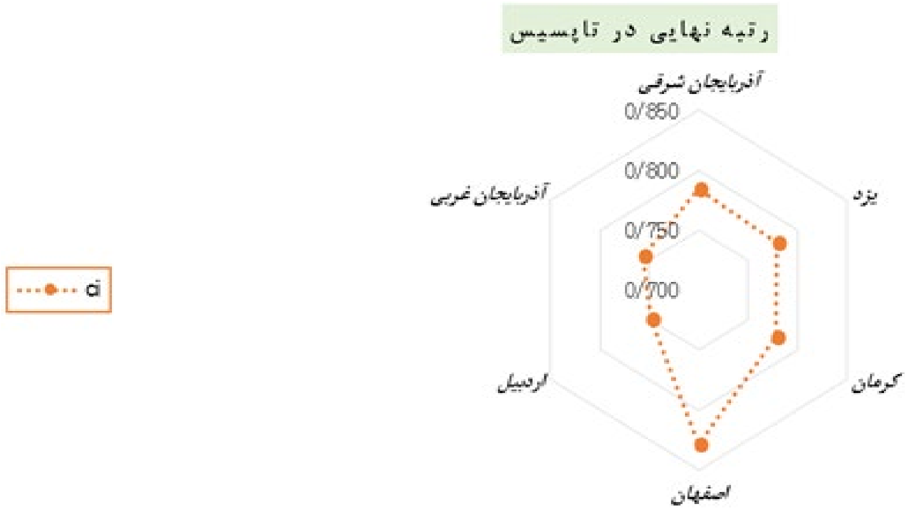

شکل ۳. محاسبۀ ci برای رتبۀ نواحی (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷)

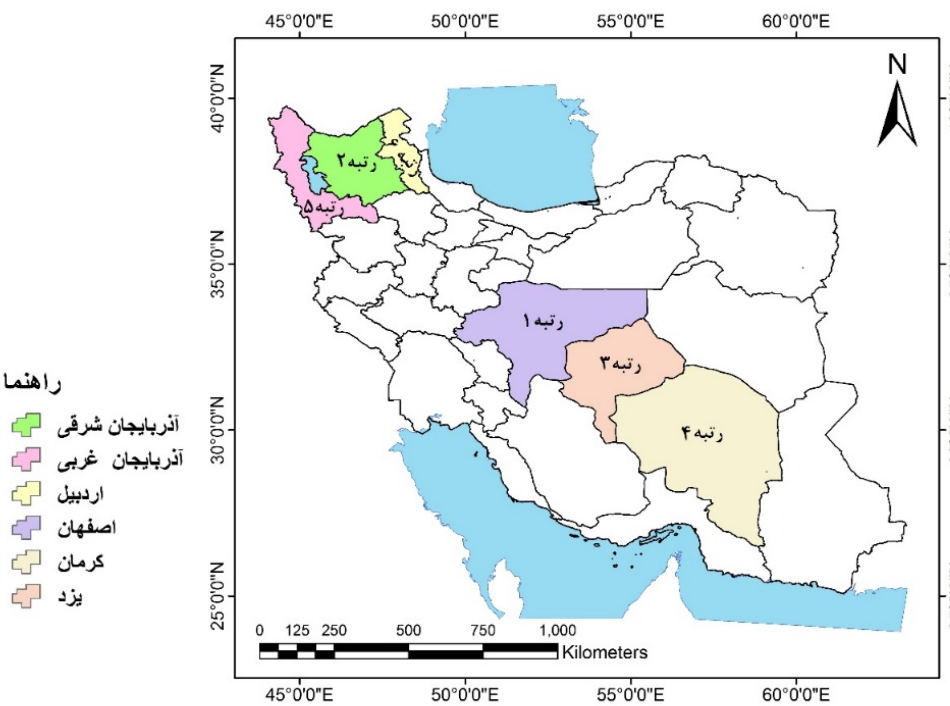

شکل ۴. رتبه‌بندی نواحی شمال غرب و مرکزی ایران بر اساس مدل TOPSIS

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷

بحث

توسعۀ گردشگری هم از طریق تأثیر بر رشد اقتصادی و هم از طریق تأثیر بر نابرابری می‌تواند بر فقر تأثیرگذار باشد و به‌طور مستقیم نیز آن را تحت تأثیر قرار دهد و بر افزایش نابرابری ناحیه‌ای دامن بزند؛ بنابراین این تحقیق سعی بر آن دارد که استان‌های نواحی مرکزی و شمال غرب ایران را از لحاظ تأثیر توسعۀ صنعت گردشگری بر نابرابری ناحیه‌ای ایجادشده مورد مطالعه و بررسی قرار دهد تا بتوان در مرحلۀ بعدی علل تفاوت‌ها را شناخت و در راستای کاهش یا از میان بردن آنها اقدام به برنامه‌ریزی ناحیه‌ای کرد. بدین‌منظور برای مشخص‌کردن سطح نابرابری‌های ناحیه‌ای

ناشی از گردشگری در استان‌های نواحی مرکزی و شمال غرب، از ۳۲ شاخص عینی (داده‌های رسمی آماری) و ۲۲ شاخص ذهنی (داده‌های پیمایشی) استفاده شد. از همین رو ارزیابی و سنجش میزان برخورداری هریک از استان‌های نواحی مورد نظر به لحاظ آثار اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و غیره، ضمن آشکارکردن فقدان تعادل در توزیع بهینهٔ امکانات و خدمات توریستی و وجود شکافی عمیق بین استان‌های مورد بررسی، از ساختار نه‌چندان مطلوب نظام برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و مدیریتی کشور در ارائهٔ خدمات توریستی و وضعیت بغرنج مناطق حاشیه‌ای در ابعاد مختلف بی‌عدالتی‌های ناحیه‌ای پرده برمی‌دارد. کارکرد اقتصادی گردشگری در مؤلفهٔ نابرابری‌های ناحیه‌ای در نواحی مورد مطالعه براساس نتایج مدل تاپسیس (۳۲ شاخص مرتبط با کارکرد گردشگری در نابرابری‌های ناحیه‌ای مبتنی بر داده‌های رسمی در قالب این مدل تحلیل شد) نشان داد که استان اصفهان با ضریب ۰/۸۲۹ در رتبهٔ اول قرار گرفته، آذربایجان شرقی با مقدار ۰/۷۸۴ در رتبهٔ دوم، یزد با ضریب ۰/۷۷۹ در رتبهٔ سوم، استان کرمان در رتبهٔ چهارم با ضریب ۰/۷۷۸، استان آذربایجان غربی با مقدار ۰/۷۵۶ در رتبهٔ پنج و استان اردبیل با ضریب ۰/۷۴۹ در رتبهٔ ششم قرار گرفته است؛ درنتیجه بیشترین تأثیرات اقتصادی گردشگری بر توسعهٔ ناحیه‌ای متوجه استان اصفهان و کمترین میزان آن متوجه استان اردبیل بوده است. مقایسهٔ نتایج این پژوهش با یافته‌های محققان از جمله Beheshti، Mohammadzadeh و Ghassemlou (۲۰۱۷)، Afrakhteh، Rahnamaei و Tahmasebi (۲۰۱۶) و مختاری ملک‌آبادی و همکاران (۱۳۹۴) همسو بوده و بر وجود نابرابری ناحیه‌ای در ایران تأکید دارند. همچنین نتایج این تحقیق با نتایج محققان خارجی مانند Sinha، Driha و Balsalobre-Lorente (۲۰۲۰)، Jioţă و همکاران (۲۰۱۹)، Li و همکاران (۲۰۱۶) هماهنگ بوده و همگی بر افزایش نابرابری ناحیه‌ای در اثر توسعهٔ گردشگری تأکید دارند. تمامی پژوهش‌های یادشده این مسئله را تأیید می‌کنند که وجود زیرساخت‌های مناسب در هر مکان در جلب و کسب رضایت گردشگران برای تکرار سفر، اهمیت بسیار بالایی دارد. همچنین برای توسعهٔ گردشگری، بهره‌برداری بهینه از زیرساخت‌ها و پی‌بردن به نابرابری‌های سطح‌بندی نواحی گردشگری ضروری است. با شناخت زیرساخت‌ها و رتبه‌بندی آنها در سطح نواحی می‌توان مدیریت بهتری بر گردشگران داشت.

نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن نتایج نهایی مدل و یافته های تحقیق می‌توان گفت که برخورداری نواحی مرکزی از کارکردهای اقتصادی گردشگری نسبت به نواحی شمال غرب ایران بیشتر و مؤثرتر بوده است؛ درنتیجه بیشترین تأثیرات اقتصادی گردشگری بر توسعهٔ ناحیه‌ای در استان اصفهان و کمترین میزان آن در استان اردبیل صورت گرفته است. می‌توان گفت توسعهٔ گردشگری به کاهش شکاف توسعه میان دو ناحیهٔ مورد مطالعه کمک نکرده و مانند متغیرهای کلان ملی در جهت تشدید نابرابری‌های ناحیه‌ای حرکت نموده و هیچ‌گونه تأثیر مثبتی بر توسعهٔ متوازن ناحیه‌ای برجای نگذاشته و نابرابری ناحیه‌ای را افزایش داده است.

پیشنهادها

- اتخاذ رویکرد ناحیه‌گرایی و فدرالیسم در حوزهٔ گردشگری به‌ویژه در استان‌ها و نواحی کمتر توسعه یافته.
- بهبود سیاست‌های توسعهٔ گردشگری در راستای ادغام با بازارهای جهانی، خاصه بازارهای گردشگری تاریخی‌ـفرهنگی، مانند تعدیل صدور ویزا برای گردشگرانی که برای مقاصد تاریخی‌ـفرهنگی به ایران مسافرت می‌کنند.
- پرهیز از سیاست‌گذاری‌های تمرکزگرایانه (از بالا به پایین) در حوزهٔ گردشگری مانند تعطیلات یکسان

برای تمامی نواحی ایران، مانند اجرای تعطیلات فصلی منطبق با فصول و اقلیم خاص هر ناحیه.

- اعطای بسته‌ها و مشوق‌های مختلف اقتصادی به بخش‌های خصوصی برای سرمایه‌گذاری در مناطق ناشناخته در استان‌هایی کمتر توسعه یافته که جاذبه‌های خاص خود را دارند؛ به‌ویژه در بخش‌های اقامت، پذیرایی، حمل‌ونقل و زیرساخت‌های گردشگری.
- تغییر الگوهای سفر و گردشگری از طریق برنامه‌های بلندمدت فرهنگی در راستای تنوع‌بخشی در انتخاب مقاصد جدید، مانند توصیه به مسافرت به مناطق کویری به‌عنوان جاذبه‌های طبیعی و اکوتوریسم به موازات اعطای مشوق‌های ویژهٔ این رویکرد.
- اعطای تسهیلات ویژه به عمده‌فروشان تور و تورگردان‌های بین‌المللی و ملی در راستای ارائهٔ تورهای ویژه به مناطق و نواحی کمتر توسعه یافته در نواحی شرق، جنوب، غرب و شمال غرب.
- آشناسازی جوامع میزبان به اثرات مثبت و منفی اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و زیست‌محیطی صنعت گردشگری در راستای همراهی آنها با سیاست‌ها و برنامه‌های توسعهٔ گردشگری.
- اعطای اختیارات ویژه به استان‌های کمتر توسعه یافته در حوزهٔ سیاست‌ها و برنامه‌های توسعهٔ گردشگری.

تعارض در منافع

بین نویسندگان تعارض وجود ندارد.

References

Afrakhteh, H., Rahnamaei, M., & Tahmasebi, A. (2016). Analysis of spatial inequalities in the development of tourism resources (Case Study: Ardabil). *Quarterly Journal of Tourism and Development,* 7(5), 107-128. *(In Persian)*

Ahmadipour, Z., Mokhtari Hashi, H., Rokanuddin Eftekhari, A., & Vazin, N. (2007). A Study of the acceleration of the development of administrative-political spaces of Iran (Case Study: Provinces of Iran in the first to third development plans). *Geopolitical Quarterly*, 3(1), 22-49. *(In Persian)*

Amirahmadi, H. (1986). Regional Planning in Iran: A Survey of Problems and Politics. *The Journal of Developing Areas*, 20, July 1986.

Arab Ameri, A., & Shirani, K. (2017). AHP-TOPSIS integrated approach in locating areas prone to artificial feeding of groundwater aquifers (Case study: Shahroud-Bastam watershed). *Journal of Soil and Water Sciences (Agricultural Science and Technology and Natural Resources),* 21(3), 149-168. *(In Persian)*

Bahrami, R., and Khalil, A. (2011). An analysis of the degree of development of the cities of West Azerbaijan province. Journal of Planning Studies of Human Settlements (Geographical Landscape), Volume 6, Number 16. pp. 14-1. (In Persian)

Beheshti, M., Mohammadzadeh, P., & Ghassemlou, K. (2017). The role of tourism industry in creating income inequality among the provinces of the country. *Journal of Tourism Planning and Development,* 22(6), 8-29. *(In Persian)*

Chakraborty, S. (2011). Applications of the MOORA method for decision making in manufacturing environment. *The International Journal of Advanced Manufacturing Technology*, 54(9-12), 1155-1166.

Chenery, H. B., Robinson, S., Syrquin, M., & Feder, S. (1986). *Industrialization and growth* (P. 175). New York: Oxford University Press.

Dadashpour, H, A., & Fatah, J. (2013). An analysis on regional specialization and concentration of industries in Iran. *Quarterly Journal of Regional Planning*, 11(3), 1-18. *(In Persian)*

Khatai, M., Razavi, M., & Jamali. M. (2000). Geographical concentration of industry in Iran. *Journal of Planning and Budget*, 48(4),3-30. *(In Persian)*

Krakover, S. (2004). Tourism development centers versus peripheries: The Israeli experience during the 1990s. nternational Journal of Tourism Research, 6(2): 97– 111.

Lees, N. (2010). *Inequality as an Obstacle to World Political Community and Global Social Justice.* In SGIR 7th Annual Conference onInternational Relations (PP. 9-11).

Li, H., Chen, J. L., Li, G., & Goh, C. (2016). Tourism and regional income inequality: Evidence from China. *Annals of Tourism Research*, 58, 81-99.

Lotfi Khachki, B. (2008). Tourism as an industry. *Journal of Strategy*, 2(1), 209-171. *(In Persian)*

Lv, Z. (2019). Deepening or lessening? The effects of tourism on regional inequality. *Tourism Management*, 72, 23-26.

Massidda, C., & Etzo, I. (2012). The determinants of Italian domestic tourism: A panel data analysis. *Tourism Management*, 33(3), 603-610.

McMillan, M. S., & Rodrik, D. (2011). Globalization, structural change and productivity growth. NBER working paper no. 17143

Meshkini, A., Amir Hajiloo, E., & Zanganeh, A. (2017). Explaining inequality in the development of the tourism industry with a looking at Iran.*Human geography research*, 49(4), 769- 789. DOI: 10.22059 / jhgr.2017.139271.1007132. *(In Persian)*

Mokhtari Malekabadi, R., Hassanzadeh, R., and Safar Alizadeh, E .(2016). Analysis of regional inequalities in Fars province using VIKOR model. Regional Urban Studies and Research, 7th Year, No. 26. pp. 166-145. (In Persian)

Nelson, R. R., & Pack, H. (1999). The Asian miracle and modern growth theory. *The Economic Journal,* 109(457), 416–436

Nemati, M., Nozari, A., & Abbasi, Z. (2014). An analysis of the physical development status of the three areas of Shushtar city using the combined TOPSISS -AHP Model. *Quarterly Journal of Zagros Landscape Geography and Urban Planning*, 20(6), 59-74. *(In Persian)*

Opricovic, S., & Tzeng, G. H. (2004). Compromise solution by MCDM methods: A comparative analysis of VIKOR and TOPSIS. *European journal of operational research*, 156(2), 445-455.

Divas, D. E. (2006). *Survey in Social Research*. translated by Houshang Naebi. Tehran: Ney Press. *(In Persian)*

Ebrahimi M., & Irvani, M. (2005). Study of cultural and socio-economic consequences of tourism industry in economic development. *Social Sciences Quarterly*.7(2), 107-129. *(In Persian)*

Farid. Y. (1996). *Geography and Urbanism*. Fourth Edition. Tabriz University Press. *(In Persian)*

Fekri, F. (2018). *A Comparative study of regional inequalities and Iran's Tourism Industry: Case study: Central and Northwest Regions*. Unpublished M. A Thesis in Geography and Urban Planning, University of Tabriz. *(In Persian)*

Gay, C. & Fayosola, E. (1998). *Tourism in a comprehensive perspective, translated by Ali Parsaian and Seyed Mohammad Arabi*. Cultural Research Office Publications, 1st edition, Tehran. *(In Persian)*

Ghavidel, A. (1999). Tourism in Gilan province. *Journal of Geographical Research*, 36. *(In Persian)*

Gholizadeh, M. (2016). The effect of tourism on the triangle of poverty, inequality and economic growth. *Quarterly Journal of Tourism Management Studies*, 36(11), 125- 160. *(In Persian)*

Hajipour, K, Zabardast, E. (2005). Study, analysis and presentation of a model for the urban system of Khuzestan province. *Fine Arts*, 23(6) 6, 5-14. *(In Persian)*

Harms, E. (2010). Sustainable tourism: From nice to have to need to have. *In Trends and Issues in Global Tourism 2010* (PP. 111-116). Springer, Berlin, Heidelberg.

Heydari Chianeh, R., Rezatab Azgoomi, S. K, & Kian, B. (2019). *Iran`s Tourism: A Political Economy Perspective.* In Correia, A., Kozak, M., & Rodrigues, A. I (Eds.), Experiencing Persian Heritage, Perspectives and Challenge. (Bridging Tourism Theory and Practice, Vol. 10), Emerald Publishing Ltd.

Jioță. O. E., Pintilii, R. D., Grecu, A., Predescu, A., & Drăghici, C. (2019).*Regional disparities in the distribution of tourism turnover in the siuth east development region*. International Scientific Conference GEOBALCANICA. 424-430.

Kadiyali, V., & Kosová, R. (2013). Inter-industry employment spillovers from tourism inflows. *Regional Science and Urban Economics*, 43(2), 272-281.

Sinha, A., Driha, O., & Balsalobre-Lorente, D. (2020). Tourism and inequality in per capita water availability: is the linkage sustainable? *Environmental Science and Pollution Research*, 1-6.

Strat, V. A., Davidescu, A. A. M., Grosu, R. M., & Zgură, I. D. (2016). A quantitative approach regarding the evolution of the Romanian tourism firms, during and after the global financial crisis. *Amfiteatru Economic Journal,* 18(10), 815-828.

Tosun, C., Timothy, D. J., & Öztürk, Y. (2003). Tourism growth, national development and regional inequality in Turkey. *Journal of Sustainable Tourism*, 11(2-3), 133-161.

UNWTO (2019). World Tourism Barometer 2019, UNWTO, Madrid.

Yasuri, M. (2009). A Survey of Regional Inequality in Khorasan Razavi Province. *Journal of Geography and Regional Development*, 7(12), 201-223. *(In Persian)*

Zhuang, J. (Ed.). (2011). *Poverty, inequality, and inclusive growth in Asia: Measurement*. policy issues, and country studies. Anthem Press.

Ziyari, K., Amanpour. S., & Amiri Fahliani, M. (2013). Study of effective factors in the development of tourism industry with emphasis on effective factors on tourist satisfaction (Noorabad Mamasani). *Quarterly Journal of Geography of the Land*, 37, 15-32. *(In Persian)*.

Pacione, M. (2009). *Urban geography: A global perspective*. Routledge.

Peneder, M. (2003). Industrial structure and aggregate growth. *Structural change and economic dynamics*, 14(4), 427-448.

Poorasghar, F. (2008). A review of land management developments in Iran Program Weekly, journal of Strategy 7(288). N52, 149-182 *(In Persian)*

Proença, S., & Soukiazis, E. (2008). Tourism as an economic growth factor: a case study for Southern European countries. *Tourism Economics*, 14(4), 791-806.

Raghfar, H., Khoshdast, F., & Yazdanpanah, M. (2012). Measuring income inequality in Iran from 1984 to 2010. *Social Welfare Quarterly*, 45(12), 241-266. *(In Persian)*

Rasti, I., & Rahimi, M. (2008). Security and development in West Asia from a model-oriented perspective: A Case study of the border areas of Iran, Afghanistan and Pakistan. *Proceedings of the International Conference on Human Security in West Asia*, 145-172. *(In Persian)*

Shali, M., Razviyan, & Taghi, M. (2010). Regional inequalities in East Azerbaijan province using its taxonomy and clustering method. *Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, 17(10), 25-40. *(In Persian)*

Shamai, A., & Musavand, J. (2011). Leveling of cities in Isfahan province in terms of tourism infrastructure using TOPSIS and AHP models. *Journal of Urban and Regional Studies and Research*, 10(3), 23-240. *(In Persian)*

یادداشت